


تاریخ و رجال





مروری بر دیدگاه‌ها و فعالیت‌های مرحوم آیت‌الله میرزا خلیل گمره‌ای

رسول جعفریان

تاریخ و رجال

۱۰۸

میرزا خلیل گمره‌ای (م ۱۴۰۵ قمری) عالمی سرشناس و جامع‌الاطراف است که طی دهه‌های بیست تا پنجاه، با داشتن چهره‌ای علمی در جامعه ایران، نقش قابل ملاحظه‌ای در شکل دهی به افکار مذهبی در سطح عمومی داشت. وی به‌خصوص به دلیل آشنایی‌اش با تاریخ اسلام، تبحرش در نگارش مقالات عمومی دینی - اجتماعی و مشارکتش در کارهای مطبوعاتی و همچنین داشتن دیدگاه‌های رایج در دهه بیست و سی در باره وحدت اسلامی و تلاش برای تحقق آن‌ها، شهرتی خاص دارد. بیشتر آثار وی تاریخی است اما به‌طور کلی، باید آثار او را در زمره آثار دینی - تاریخی این دوره به شمار آورد. علاوه بر کتابهایش، از وی مقالات فراوانی در مطبوعات مذهبی آن دوره، از جمله نشریه «آیین اسلام» و بسیاری از نشریات دیگر به چاپ رسیده است.

در سال ۱۳۴۸ خورشیدی، فرزندش ناصرالدین گمره‌ای به همراه دکتر عباس قانع، فهرست تألیفات ایشان را ضمن کتابچه‌ای منتشر کردند. این آثار که مشتمل بر پنجاه عنوان می‌شود، بیشتر کتاب و شماری هم مقالاتی است که از وی در جای‌های مختلف به چاپ رسیده است.

میرزا خلیل به‌طور عمده، علاقمند به مباحث تاریخ اسلام بود و در این زمینه آثار متنوعی نوشت؛ نمونه‌ای از آنها:

کتاب «صحیفه سخن زهرا^{علیها السلام} در اساس دولت کبری و شکل خلافت عظمی یا سرچشمه آب حیات» (ص ۶۸۴) است که ضمن آن، شمار زیادی از مقالات وی در زمینه‌های مختلف تاریخی و شبه تاریخی درج شده است. جلد دوم همان کتاب با عنوان «ملکه اسلام، فاطمه زهرا^{علیها السلام} اولین محکمه قضایی بعد از پیغمبر» (ص ۳۱۰) است که هم شرحی است بر خطبه آن حضرت و هم تحلیلی است از وقایع دوران نخست اسلام.

یکی از کارهای علمی او کتاب «نهج البلاغه یا دائرة المعارف علوی» است که یکی با عنوان «بخش یکم آسمان و جهان» (ص ۵۲۶) و دیگری با عنوان «بخش جنگ» (ص ۵۷۸) چاپ شده و مؤلف ضمن آنها به تشریح و توضیح برخی از خطب نهج البلاغه پرداخته است. بخشی از مباحث آن مربوط به طبیعت‌شناسی از دیدگاه امام و بخشی هم مسائل تاریخی و غیره است.

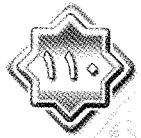
از علایق دیگر وی، مطالعات مربوط به عاشورا است که در این زمینه، از خود چندین کتاب نشر داده است؛ از جمله سه جلد با عناوین «عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن» (۴۱۵ + ۳۹۴ + ۳۲۸ صفحه، تهران کتابفروشی اسلامیة) که در شرح حال تك تك شهدای کربلا است. در همین زمینه وی کتاب «یک شب و روز عاشورا» را که در سال ۱۳۶۲ توسط انتشارات امیر کبیر برای بار دوم چاپ شد.

کتاب دیگر او «معجزه تاریخ امام عظیم، حسین بن علی و عنصر امامت» (۴۸۸ صفحه، تهران، اسلامیة) است.

یکی از پرحجم‌ترین کارهای وی، کتاب «فتاوی صحابی کبیر، سلمان فارسی» (ص ۸۶۷) است که ضمن آن شرح حال مفصلی از سلمان و فتح ایران و مدائن ارائه کرده است.

این آثار با آنکه مشحون از نقل‌ها و احیانا تحقیقات تاریخی است، اما آشفته‌گی‌هایی در آنها وجود دارد.

آنچه در اینجا برای ما اهمیت دارد، آن است که یکی از زمینه‌های علمی وی، کار در باره حج و مکه و وحدت اسلامی است که در اطراف آن مقالات



و کتابهایی منتشر کرده است. وی علاوه بر کارهای علمی، با ایجاد ارتباط با علمای سعودی و حتی مسؤولان و در رأس آنها ملک فیصل، تلاش کرده است تا ایده‌های خود را به آنان انتقال دهد و به خصوص ذهنیت آنان را نسبت به مذهب تشیع اصلاح کند.

میرزا خلیل در این زمینه، فعالیتی مشابه آنچه که زمانی در دارالتقرب توسط شیخ محمدتقی قمی، شیخ شلتوت و آیت‌الله بروجردی دنبال می‌شد و در ایران هم برخی از نشریات مذهبی مانند نشریه مسلمین حاج سراج انصاری و آیین اسلام دنبال آن بودند، از خود نشان می‌دهد. این بستر فعالی بود که مدتها در ایران ادامه داشت و بیش از آنکه با سعودی که آن زمان تازه حرکتش را جدی‌تر کرده و افراطی برخورد می‌کرد، هماهنگ باشد، با مصر و الازهر همکاری و همدلی داشت. ویژگی میرزا خلیل آن بود که متوجه اهمیت نقش حج در این میان شد و دریافت که سعودی‌ها در تلاشند تا راهبری جهان تسنن را در اختیار بگیرند. البته و صد البته که افراط‌گری سعودی‌ها امکان ایجاد وحدت را دشوار می‌کرد و استخفاف نسبت به شیعیان، به همان مقدار که زمان عثمانی و سپس دوره اخیر آن، در عهد قاجار و بعدها در سال ۱۳۲۲ با کشتن ابوطالب یزدی و نیز سفر نخست همین میرزا خلیل در سال ۱۳۲۷ وجود داشت، همچنان ادامه یافت.

چند اثر علمی میرزا خلیل، به نوعی به مکه، مدینه، قبله و مسائل حج مربوط می‌شود. عناوین آنها عبارت است از:

۱. پیام ایران به نجد و حجاز و مصر (۱۸۸ ص).
۲. قبله اسلام، کعبه یا مسجد الحرام (۷۱۵ ص).
۳. بیت المقدس و تحوّل قبله (۲۳۱ ص).
۴. آفاق کعبه (۴۶۴ ص).
۵. نهیب پیغمبر ﷺ به ملوک و امراء و فقها و علما از خیف منی.
۶. کلید امن جهان (شرح خطبه حجة الوداع، تکملة آن: کلید امن دنیا).
۷. رساله مناسک و مسائل حج و عمره (۴۶۳ ص).
۸. نصدایی از سرزمین بیت المقدس (سفرنامه مؤلف به مؤتمر

اسلامی اردن) (۱۵۶ص).

۹. اجتماع پیرامون خانهٔ تقدس (مقاله‌ای در مجلهٔ دین در عصر دانش) (۷ص).

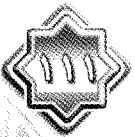
۱۰. اسرار حج (ترجمهٔ ابوالقاسم سحاب) (۱۵۴ ص)

مرحوم کمره‌ای در سال ۱۳۳۸ خورشیدی، درکنگرهٔ مؤتمراسلامی در بیت‌المقدس شرکت کرد که افتتاح آن توسط سلطان محمد خامس، سلطان وقت مراکش بود. در این سفر مرحوم آقای طالقانی هم حضور داشت و آنان پس از خاتمهٔ کار کنفرانس، راهی مصر شدند تا با میرزا محمدتقی قمی، نمایندهٔ آیت‌الله بروجردی در دارالتقریب، در قاهره و نیز شیخ شلتوت، شیخ ازهر دیدار کنند. کمره‌ای گزارشی کوتاه از این سفر را در کتاب پیام امیرالمؤمنین به سلاطین اهل قبله (ص ۲۳-۲۴) آورده است. وی همانجا (ص ۲۶) نوشته است که مؤلف یکبار هم در کنگرهٔ مؤتمراسلامی شعوب المسلمین در پاکستان شرکت کرد که مربوط به سال ۱۹۵۲ میلادی است. در ادامه، گزارش وی را در بارهٔ کنفرانس اسلامی بیت‌المقدس، از کتاب «بیت‌المقدس و تحوّل قبله» او خواهیم آورد.

میرزا خلیل در سال ۱۳۸۲ ق. / ۱۳۴۲ ش. کتابی با عنوان «پیام ایران به نجد و حجاز و مصر» چاپ می‌کند که به نوعی با افکار ضدّ غالی وی که به‌طور معمول در جهت وحدت اسلامی ارتباط دارد. روی جلد آمده است: تألیف مجتهد و فقیه شیعه حضرت آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای. (در کتابهای قدیمی‌تر، وی نامش را خلیل صیمری کمره‌ای می‌نوشت). دنبالهٔ عنوان کتاب، آن هم روی جلد، این توضیحات آمده است: امام به عقیدهٔ شیعهٔ امامیه ناخداست نه خدا. مبارزهٔ رسول خدا ﷺ و ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام با غلاة، و عظمت ناخدایان کشتی نجات.

این کتاب از طرف حسین فشاهی، مدیرانتشارات شمس، به مناسبت یکمین سالگرد آیت‌الله بروجردی نشر یافته، که از وی با عنوان «راد مردی که برای برافراشتن پرچم تشیع و به رسمیت شناساندن مذهب امامیه، کوشش‌های فراوان و اقدامات مصلحانه فرموده‌اند» یاد کرده است.

فشاهی مقدمه‌ای هم برای کتاب نوشته و از ضرر و زیان اختلاف میان



مسلمانان و تلاش شلتوت و مرحوم بروجردی برای وحدت سخن گفته است. وی در این مقدمه از «استخفافی که هر سال نسبت به حجاج و زوار و تجّار ایرانی از طرف متعصبین اهل تسنن اصطلاحی می‌شود» سخن گفته و کوشیده است تا نشان دهد که وحدت مسلمین تا چه اندازه می‌تواند رشتهٔ موّدت و اتحاد میان آنان را استوار کرده و آنها را در مقابل دشمنان متحد سازد.

میرزا خلیل شرحی از سفر نخست خود که از طریق نجد به حج مشرف شده و مربوط به سال ۱۳۶۷ / ۱۳۲۷ ش. می‌شود به دست داده که فوق‌العاده جالب توجه است:

«در سفر اول که به حج مشرف شدم قافلهٔ ما از طریق نجد گذر می‌کرد. در مدینهٔ منوره، بعضی مفسده‌جویان را مشاهده کردیم که تربت را بهانه کرده مفسده‌ها برپا کردند. به عکس آنچه در آن سفر از عظمای مصریین، نمایندگان اخوان المسلمین مانند مرحوم شیخ حسن بنا در نطق‌های پرشور خود در مکه و مدینه نهایت پختگی و خیرخواهی و افکار مصلحانه دیده شد و شنیده شد...

عدد حجاج ایرانی در این سال از ده هزار می‌گذشت که با سیارات و اتومبیل‌های خود در رفتن و آمدن تحمل مشقات سفر را کرده و یک دنیا اخلاص نسبت به سایر مسلمانان... داشتند... لیکن بعضی عساکر سعودی و افراد ارتش از افسر و تابعین، با یک نوع استخفافی با ما روبرو شده و سخنانی تحقیرآمیز به ما می‌گفتند؛ از قبیل اینکه این سیارات از قومی هستند که بر تربت سجد می‌کنند... سپس باز در حرم نبوی در مسجد مدینه بعضی ماجراجویان را دیدیم در صفوف نمازگزاران می‌گشتند و متعرض مهر نماز نمازگزاران ایرانی می‌شدند... موقعی من در صقّه مبارکه مسجدالنبی نشسته، مشغول تلاوت قرآن بودم... در این ضمن وسط مسجد غوغایی برخاست. شخصی را می‌زدند و کشان کشان تا نزدیک صقّه رساندند. آنجا یکی از غلامان سیاه حرم... با عصایی که به منزلهٔ گریزی بود برخاست و با آن گرز بر پشت آن بینوا نواخت. (ص ۲۳-۲۵)

وی در ادامه، گفتگوی خود با یک مصری را، در بارهٔ کشتن ابوطالب یزدی،

نقل می‌کند.

میرزا خلیل در بازگشت، باز از ریاض عبور می‌کند و از روی اتفاق، با منشی ملك سعود که آن زمان ولیعهد بود، برخورد کرده، وی را به دیدار او می‌برند. وی در این دیدار شرحی از مصایبی که ایرانی‌ها می‌کشند، برای او بیان می‌کند. همچنین مطالبش را مفصل نوشته و آن را تقدیم امیر سعود کرده و در این کتاب بخش‌هایی از همان نوشته را آورده است. او با اشاره به پخش کتابهایی در ردّ شیعه؛ مانند «الصراع بین الاسلام والوثنيه» از عبدالله علی قصیمی و کتاب «الوشیعه فی ردّ الشیعه» صلاح را در آن می‌بیند تا برای روشن کردن حقایق، مطالبی را در مبارزه امامان با غلو بنویسد.

میرزا خلیل در مقدمه کوتاه دیگر خود، باز از مصایب جهان اسلام و بدبختی‌های مسلمانان سخن گفته و اینکه در میان چنین گردابهایی، کسانی اختلافات جزئی را به عنوان اختلاف در دین عنوان کرده و راه را برای استعمارگران هموار می‌کنند.

بحث مبارزه با غلو، از صفحه ۴۸ آغاز می‌شود و در ادامه، مطالبی از مبارزه پیامبر و امامان علیهم‌السلام در این باره ارائه می‌گردد. فصل‌های مختلف کتاب، به مبارزه تك تك امامان با غلو اختصاص یافته است. این یکی از حساسیت‌های مهم فکری میرزا خلیل است.

در پایان این کتاب، تصویری از ملاقات میرزا خلیل کمره‌ای با شیخ ازهر (شیخ شلتوت) همراه با تصویر فتوای شیخ شلتوت در جواز عمل به فقه امامیه به چاپ رسیده است.

کتابچه «کلید امن دنیا» اثر دیگری است که میرزا خلیل در سال ۱۳۴۲ نوشته است.

روی جلد این کتاب، در توضیح عنوان آن آمده است: پیام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در موسم حج اکبر از مسجد الحرام و عرفات و منا در سال حجة‌البلاغ (سال ۱۰ هجری)، نظری به اعلامیه‌های منشور امنیت جهان در پرتو امن حرم‌الله. وی در این کتاب، نقل‌هایی را که در منابع کهن در باره خطبه‌ها و سخنان آن حضرت در حجة‌الوداع ارائه شده، آورده و به فارسی هم ترجمه کرده است. بخش بعدی کتاب «نهیب پیغمبر از آسمان خیف منا به طبقات

مسلمین؛ از فقها و عظاما و ملوک و امرا» است که در آن، خطبه حضرت در منا، همراه با ترجمه و شرح کوتاه آمده است.

در قسمت سوم با عنوان «کلید امنیت جهان در پرتو پیام رسول خدا به بیان فتوا و نظریه فقیه ایران» - یعنی مرحوم کمره‌ای - در باره خطبه‌های آن حضرت در حجة الوداع اختصاص یافته است. در واقع این کتاب، سه کتاب در یک کتاب است. بخش «نهیب پیامبر» در سال ۱۳۴۲ ش. توسط شورای عالی حج در ۱۶ صفحه به صورت مستقل منتشر شده است.

مرحوم کمره‌ای در سال ۱۳۸۴ق. / ۱۳۴۴ش. در حج شرکت کرده و در کنگره‌ای که توسط «رابطة العالم الاسلامی»، پس از ایام حج برگزار گردیده، شرکت می‌کند. از وی پیش از آن دعوت رسمی به عمل آمده بود. علاوه بر وی، نمایندگان شیعه شرکت کننده در این کنگره حدود ده نفر بودند. از اهل سنت، بیش از دویست و شصت نفر در آن کنگره شرکت داشته‌اند. پس از بازگشت، ایشان جزوه‌ای تحت عنوان «مختصری از کنگره رابطه عالم اسلامی در مکه، ذی حجه ۱۳۸۴» می‌نویسد و شرحی از چگونگی برگزاری آن و کمیسیون‌های فرعی و مصوبات آن ارائه می‌کند. وی چگونگی مشارکت شیعیان در این محفل را توضیح داده و شرح می‌دهد که آنان کوشیدند تا جلوی پخش کتاب محب‌الدین خطیب را که به رایگان میان زائران توزیع می‌شد بگیرند. هدف وی از نگارش این جزوه، نشان دادن این است که چگونه حضور علمای شیعه سبب شد تا مناسبات سنی و شیعه بهبود یابد. در این جزوه ۳۲ صفحه‌ای، تصویری هم از حضور مرحوم کمره‌ای در کنگره به چاپ رسیده است.

کتاب دیگر کمره‌ای که آن را تحت تأثیر کنگره رابطه عالم اسلامی سال ۴۴ می‌نویسد، کتاب «ارض النبوة جسر عظیم و هی جسر العباد للمعبود» به زبان عربی (ص ۱۲۹) است که در آغاز آن تصویر ملک فیصل و تصویر خود کمره‌ای در دو صفحه جداگانه آمده است. سعودی‌ها که بنا داشتند تا مرکزیت الازهر را به عربستان منتقل کنند، کعبه و حرمین را به عنوان پل فیروزی مطرح کردند و مرحوم کمره‌ای هم تلاش کرده است تا با استفاده از همین بینش، شیعیان را نیز سهمیم در این تلاشها نشان دهد و وحدت اسلامی



را تقویت کند. این کتاب مروری است بر پیام‌های نبوی در مقاطع مهم تاریخ اسلام در عصر پیامبر ﷺ؛ پیمان عقبه، بدر، احد و... و اشاراتی دارد به وضعیت مصیبت‌بار مسلمانان و تأکید بر اینکه این تصور سنی‌ها که تشیع مذهب عجم‌ها است و حششان صحیح نیست و برای تلویت کعبه آمده‌اند و... درست نیست و مخّل به وحدت و یکپارچگی مسلمانان است. وی برخی ازدشواری‌های میان شیعه و سنی را در دوره عثمانی، که در شهر مکه پدید آمد، مرور کرده و استخفاف و تحقیری که سنیان در باره شیعیان اعمال کرده‌اند را بیان می‌کند، آنگاه در پایان، متن نامه‌ای را که به پادشاه سعودی نوشته و پیشنهاد تدریس فقه جعفری را در دانشگاه مدینه کرده، به چاپ رسانده است. و نیز در همین نامه به کارهای علمی خود در زمینه حج و مکه و مدینه اشاره کرده و آنها را به رسم هدیه برای ملک ارسال کرده است. ترجمه فارسی این نامه هم در ادامه آن آمده است. (صص ۱۱۴ - ۱۲۹).

میرزا خلیل بعدها کتاب دیگری با عنوان «سروش مقدس وادی ایمن مکه و مدینه» چاپ کرد و زیر عنوان اصلی آن افزود: اسمعی یا حجاز.

عنوان دیگر این کتاب «قبله اسلام، کعبه یا مسجد الحرام» است که (ضمن ۴۴۰ صفحه) در سال ۱۳۵۶ ش. انتشار یافته است. محتوای آن، علاوه بر مباحث اصلی مورد نظر وی، ارائه گزارش‌ها، تصاویر نامه‌ها و عکس‌ها و اسنادی است که به نوعی با فعالیت‌های وی در کنگره‌های مختلف در اختیارش بوده است. برخورد او با وهابیت در این کتاب قدری تندتر از گذشته می‌نماید و وی می‌کوشد - گرچه پراکنده - به برخی از دعاوی آنان در زمینه‌های مختلف پاسخ دهد.

بخش اصلی کتاب که پیش از آن تاریخ، گویا به صورت مختصر چاپ شده بوده، از صفحه ۱۵۸ آغاز می‌شود. در ضمن، به مباحثی که به نوعی با فتاوی علمای وهابی مربوط می‌شود نیز پرداخته شده که از آن جمله خراب کردن بناهای موجود در منا به فتاوی علمای مکه؛ از جمله بن باز در سال ۱۳۹۷ (۱۳۵۵ ش.) است (ص ۲۰۳). در این تخریب حتی توالت‌های موجود در منا هم به بهانه آنکه نباید ساختمانی در منا باشد، تخریب شد و میرزا خلیل تلاش می‌کند عواقب این مسأله را که چه مشکلاتی به لحاظ سلامت برای

حجاج خواهد داشت، گوشزد نماید.

وی در ادامه، پس از مرور بر برخی نزاع‌های میان شیعیان و حنبلیان در بغداد، به درگیری‌های موجود میان زائران ایرانی و مأموران سعودی در حرم نبوی، در همان سال ۱۳۹۷ ق. پرداخته و اشاره می‌کند که در پی یکی از این درگیری‌ها، شش زائر ایرانی مجروح شدند که به بیمارستان صحرایی شیر و خورشید ایران و سپس به بیمارستان ملک انتقال داده شدند. در این وقت ۱۵ هزار زائر ایرانی در مدینه بوده‌اند (ص ۲۴۲-۲۴۳).

میرزا خلیل باز به همان بحث خود درباره حنابله و داستان محنت احمدبن حنبل و مشکلات میان معتزله و اهل حدیث ادامه می‌دهد. یکی دیگر از بحث‌های کتاب مربوط به زیارت قبور است که مستندات آن را مورد بحث قرار داده است. در پایان کتاب، تصاویری از مجلس درس تفسیر میرزا خلیل، اقامه نماز عید فطر و دیگر برنامه‌های ایشان که معمول در مسجد فخرالدوله تهران بوده، درج شده است.

مرحوم کمره‌ای در کتابچه دیگری که در آبان سال ۱۳۴۵ با عنوان «پیام میلاد امیرالمؤمنین علیه السلام» به سلاطین اهل قبله و وحدت کلمه و نقش امم متحده» به چاپ رساند، بار دیگر از فعالیت‌های خود در ایجاد وحدت میان مسلمانان و شرکت در کنگره‌های مربوط به حج سخن گفته است. در واقع پس از کنگره سال ۱۳۴۴، کمره‌ای کتابی با عنوان «ارض النبوة جسر عظیم» به عربی می‌نویسد که این کتابچه گزارشی مختصر و فارسی از آن اثر است. وی محتوای آن اثر را پیامی می‌داند که جامعه تشیع برای کنگره دارد که وظیفه ایجاد این اتحاد عمومی میان مسلمانان را بر عهده ملک فیصل گذاشته است.

او آنگاه بحث را با این شعار کنگره آغاز می‌کند که کعبه پل فیروزی است و می‌کوشد تا شرحی از این مطلب ارائه دهد. ایجاد این پل اولین قدم است و پس از آن بهره‌گیری مناسب از پل برای وصل بندگان با خدای متعال است. وی تلاش می‌کند به ملک فیصل بفهماند که در زدن این پل نباید از معارف رسیده از امام علی علیه السلام غفلت کند.

به عقیده او، تنها رمز پیروزی، پذیرفتن رهبری امام علی علیه السلام است که

می‌توان در سایه آن، همه امتیازات قومی و نژادی را از میان برد و اتحادی جاودان برقرار کرد. وی روی این نکته که شرق و غرب اسلامی می‌توانند روی امام علی علیه السلام تکیه کنند، آن را نقطه مشترک همه می‌داند.

وی در این کتاب شرحی از فعالیت‌های خود در شرکت در کنفرانس‌های اسلامی به دست داده و گوشه‌ای از نوشته‌های خود را در ارتباط با وحدت اسلامی شرح کرده است. به علاوه، راجع به برخی از کتاب‌های خود؛ از جمله «کتاب عظیم قبله اسلام کعبه، کتاب آفاق کعبه، تحول قبله از بیت المقدس» و همچنین آثار دیگر خود؛ از جمله «آراء ائمة الشيعة في الغلاة و کتاب رهبرما سلمان فارسی» توضیحاتی داده و ارتباط آنها را با مسئله وحدت اسلامی بیان کرده است. همچنین در این باره توضیح می‌دهد، همین‌که سلمان فارسی حکومت از جانب عمر بن خطاب را پذیرفت، نصیحتی است به روحانیت و دولت ما. به این ترتیب نشان می‌دهد که اگر در مثنی عملی خود نوعی همراهی با دولت وقت دارد، به پشتوانه همین استدلال است! (همان، ص ۳۳). وی در انتهای این کتاب، نامه‌ای از ملک فیصل را که به وی نوشته شده - در اعلام وصول کتاب «ارض النبوه» - آورده و از مفتیان سعودی که غرور زیادی داشته و غیر عرب را به حساب نمی‌آورند خواسته است تا از آن درس بگیرند.

مرحوم کمره‌ای در سال ۱۳۸۹ ق. / ۱۳۴۸ ش. به حج رفت و در آنجا شاهد بود که کتاب «الخطوط العریضه» محب‌الدین خطیب در ردّ شیعه به وفور توزیع می‌شود. از همان زمان مصمم می‌شود که بار دیگر کتاب «آراء ائمة الشيعة في الغلاة» را با توضیحاتی به چاپ برساند. در مقدمه به درخواست شیخ محمدتقی قمی، نماینده ایران در دارالتقریب مصر برای چاپ این اثر (که فارسی آن در سال ۱۳۴۲ ش. چاپ شده بود) اشاره دارد و همچنین از سفر خود در سال ۱۳۷۹ ق. به قاهره پس از شرکت در کنفرانس اسلامی بیت‌المقدس یاد می‌کند و اینکه مردان نیکی را در قاهره ملاقات کرده است. گویا تصمیم دارالتقریب برای نشر این کتابچه به جایی نرسیده است، به‌ویژه که شیخ شلتوت هم که منادی وحدت بود و چنین قولی به او داده بود، درگذشت. به هر حال، کمره‌ای در مقدمه این کتاب اشاره

می‌کند که تاکنون که سال ۱۳۹۰ ق. است، چاپ متن عربی کتاب در قاهره به جایی نرسیده و وی در این رساله شرحی کوتاه از محتوای آن کتاب ارائه کرده است.

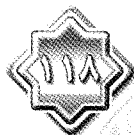
تلاش وی در این رساله آن است تا نشان دهد ائمه شیعه با غلاة میانه‌ای نداشته و تفکر و معتقدات آنان را نمی‌پذیرفتند. خطاب وی در این کتاب به‌طور عموم به محب‌الدین خطیب است که میان شیعه امامیه و غلاة خلط کرده و عقاید آنان را به امامیه نسبت داده است. شگفتی وی از ملک فیصل است که چگونه اجازه می‌دهد این قبیل اباطیل در ایام حج میان زائران انتشار یابد.

کتاب دیگری هم با عنوان «مجموع السنة» در ردّ بر شیعه، در حرمین شریفین توزیع می‌شده که وی اشاراتی هم به محتوای آن دارد. نیز اشاراتی به کنفرانس سران کشورهای اسلامی، از جمله به حضور شاه در آن کنفرانس‌ها دارد. (آراء ائمة الشيعة في الغلاة، ص ۳۱).

وی از اینکه محب‌الدین خطیب در این کتاب از یزید هم دفاع کرده، سخت برآشفته و فصلی مشبع در مذمت یزید و جنایات او در تاریخ اسلام آورده است. این بخش، بیش از نیمی از این کتاب یکصد و هشت صفحه‌ای را به خود اختصاص داده است.

کتاب «بیت‌المقدس و تحوّل قبله» مرحوم کمره‌ای در سال ۱۳۵۳ (گویا برای بار دوم، ضمن ۴۹+۵۷۰ صفحه) به چاپ رسید. طرح این بحث، سال‌ها پیش؛ یعنی سال ۱۳۳۸ که وی به بیت‌المقدس سفر کرده بوده، در ذهن وی نقش بسته بوده است.

در ابتدای کتاب و بی آنکه ارتباطی با متن کتاب داشته باشد، یک نامه و پاسخ وی به آن آمده است که مربوط به چند پرسش طرح شده از سوی مسؤول امور غیر مسیحی و اتیکان از ایشان است که میرزا خلیل به آنها پاسخ گفته است. پس از آن، وی بحث را با فضائل بیت‌المقدس در روایات آغاز کرده و در ادامه تاریخ بیت‌المقدس و اقوام ساکن و حاکم بر آن را بیان کرده است. در پایان بخش اول هم باز پاسخ وی به پرسشی از آمریکا در باره نماز به انگلیسی آمده است.



در بخش دوم، ضمن اشاره به سفر خود به بیت‌المقدس، و گوشزد کردن اهمیت تاریخی این شهر، اشاره‌ای به معراج و فضایل ماه رجب هم کرده است.

در ادامه، گویا به قلم فرزند ایشان بحثی تحت عنوان «مقدمات سفر والد معظم به کشورهای اردن هاشمی و سوریه و مصر» به تفصیل درج شده که گزارش همان سفر پیشگفته است. در این بحث اشاره به دیدار میرزا خلیل، آقای طالقانی و سید مصطفی کاشفی و دکتر شیخ با آیت‌الله بروجردی، برای مشورت جهت رفتن به بیت‌المقدس شده است. آیت‌الله بروجردی ده هزار تومان هم برای کمک به آوارگان فلسطینی در اختیار میرزا خلیل گذاشتند (ص ۳۷۱-۳۷۲).

گزارشی که در ادامه آمده، به تفصیل از مسائلی که در این کنفرانس گذشته، سخن گفته که بسیار مغتنم است. تصاویری هم از این کنفرانس و افراد شرکت کننده؛ از جمله میرزا خلیل و آیت‌الله طالقانی (در همان، صفحه ۳۹۵-۴۰۰ در ادامه تصاویر دیگر) آمده است.

در این کنفرانس، اکرم زعیتر گزارشی طولانی از وضعیت فلسطین برای حاضران بیان کرده که متن فارسی آن در این کتاب درج شده است (ص ۴۰۱-۴۱۹). سپس مصوّبات کنفرانس به تفصیل آمده و از یک یک نمایندگان کشورهای مختلف اسلامی نام برده شده است. هیئت ایرانی شامل: میرزا خلیل کمره‌ای به نمایندگی آیت‌الله بروجردی، حاج سید محمود طالقانی «از رهبران عالیقدر جوانان دانشجویان اسلامی و جماعت مهندسين»، سید مصطفی کاشفی خوانساری داماد میرزا خلیل، خطیب شهیر سید محمدعلی صدرايي اشکوری، واعظ جلیل شیخ جلال الدین رای فانی و جلال مجدپور بوده است (۴۳۵-۴۳۶).

در ادامه شرحی از چگونگی مسجدالاقصی و اماکن متبرکّه آن، تصویر خود میرزا خلیل درج شده است. کتاب، ضمائم دیگری هم دارد که متنوع است.

اکنون گزارش زیر با عنوان «پرچم و پرچمداران حج» از نظر شما خواهد گذشت که در پی سفر حج میرزا خلیل کمره‌ای در سال ۱۳۴۲ و ارائه

دشواری‌های این سفر، در پاسخ به پرسش‌های مهم شورای عالی حج نگاشته شده است. توضیحی که در آغاز آن آمده، سابقه بحث را از سال ۴۰ تا ۴۲ مطرح می‌کند. دیدگاه‌های ارائه شده در این نوشته، تلاشی است که برای راهنمایی حجاج و کاروان‌های ایرانی در رویارویی با دشواری‌ها و مسائل حج نگاشته شده است. این پیشنهادها برای آن است تا زائران ایرانی که ناآشنا به موقعیت آن دیار هستند و بیش از هشتاد درصد آنها تنها یک بار در عمر خود مشرف می‌شوند، بتوانند قدری خود را آماده تطبیق با آن محیط سازند تا مشکلاتشان کمتر باشد. بدین ترتیب، این کار یکی از نخستین تلاش‌هایی است که در این راه صورت گرفته و می‌تواند سابقه این بحث را که بعدها و به ویژه در سالهای پس از انقلاب روی آن کارهای فراوانی صورت گرفت، نشان دهد:

پرسش حج و پرچمداران حج

پرسش‌های شورای عالی حج:

- * آیا مقاصد عالی حج، در اینگونه سفر به حج و اجتماع مسلمین از نقاط مختلف جهان در مکه معظمه، به شیوه و وضع کنونی تحقق می‌یابد؟ و برای تحقق آن مقاصد چه باید کرد؟
- * صرف نظر از مقاصد حج، کاروان‌های حجاج ایرانی و غیر ایرانی چگونه بودند و چگونه باید باشند؟
- * تعداد حجاج چقدر بود و چند کشور در حج شرکت کرده بودند؟
- * چه نقشه‌هایی برای تکمیل نواقص و نقایص کار به نظر جناب عالی می‌رسد؟
- * برای اتحاد مسلمین، چه اقدامی به عمل می‌آید؟ و چه اقدامی باید کرد؟

پاسخ‌های آیت‌الله کمره‌ای

قرآن مجید فرموده است: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...﴾^۱.



پس ما باید در اتمام این عمل بکوشیم. اتمام عمل، همیشه با حصول نتیجه منظوره است. علت غایی را علت کمال و علت تمام می‌نامند و جواب دادن به سؤال‌های فوق، محتاج به یک نوع تجزیه و تحلیل است که محسّنات و نواقص انجام این امر خطیر، در وضع حاضر، باید هر دو دیده و سنجیده شوند.

اصولاً بررسی کامل هر امر، با تجزیه و تحلیل جهات مختلف میسر می‌گردد و بهترین تجزیه و تحلیل آن است که خوبی‌ها و بدی‌ها (ی هر امر) برابر هم گذارده شوند؛ زیرا کم چیزی است که محسّنات محض یا سیئات محض باشد.

چون در این مفاوضه، از سیئات بعضی و نواقص و نقایص بعضی دیگر سخن در آخر به میان می‌آید تا بلکه در رفع آنها کوشیده شود، علیهذا باید پیشاپیش محسّنات و تسهیلات موجود را هم قبلاً از نظر گذرانید که حمل بر غفلت و عیب‌جویی و بدگویی نفرمایند.

اما محسّنات و تسهیلات موجود، که نیمی مرهون پیشرفت‌های صنعت و علم است، (با در نظر گرفتن این نکته که این سفر اساساً سفری است با اعمال شاقّه و سفر به محیط غیر «ذی زرع» که فاقد هر گونه محصولات طبیعی است، با این وصف) تسهیلات موجود برای پذیرایی این جمعیت (یک میلیون و صد و هشتاد و پنج هزار و نهصد و چهل و هشت نفر - اردویی مرکب از نژادهای مختلف و النسّه مختلف، از ممالک مختلفه با عقاید شخصی متنوع و سیاسی مختلف، بسی قابل تحسین و قابل تقدیر به شمار می‌رود. پیشرفت صنعت و علم در هر مرحله، کمک شایان به وفور تسهیلات نموده است. وفور «خواربار» و «نان» و غذاها، میوه‌های پخته در قوطی‌های سر بسته، به حدی بود که به هیچ وجه احتمال کمبود و یا قحطی نمی‌رفت، یخ هم، همچنین.

پیشنهاد می‌شود که هر بیست یا سی نفر مسافر حج - در فرودگاه مهرآباد - به یک تن فقیه و عالم مذهبی سپرده شود یا با کاروان‌ها برای هر سی نفر حاجی، یک نفر فقیه مذهبی در نظر گرفته شود که عمل طواف و حج را به‌طور صحیح به آنان تمرین بدهند.

با مقایسه ساده به جمعیت‌هایی که (در ممالک دیگر) در «ایام عید» به

شهرستان‌های جنوبی یا شمالی می‌روند و تغییراتی در نرخ خواربار و در مقادیر آن پدید می‌آید، به اهمیت موضوع پی خواهید برد.

اما از لحاظ حمل و نقل: در حج، چندین روزِ پیاپی باید تمام این جمعیت از محلّی معین به محل مشخص دیگری حرکت نمایند و به عرصه دیگری حضور به هم رسانند. اینجا هم با مقایسه این جمعیت (که در زمانی محدود و در مکانی معین و مشخص باید به اعمال مشترک اقدام کنند) با جمعیت‌های دیگری که در ایام عید نوروز سفر می‌کنند، با وجود آنکه از لحاظ زمان و مکان فرصت‌های بیشتری دارند، به‌خوبی امکانات و تسهیلات موجود اینجا مشهود است.

نسبت تلفات و مجروحین این اردوی عظیم و تلفات مجروحین شب سالگرد مسیحی ژانویه در کشورهای بزرگ جهان، که حدود پانصد نفر یک شبانه تلفات می‌دهند قابل مقایسه نیست و ناچیز است.



گذشته از اینها، همیشه در جنب هدف‌های بزرگ و مقاصد عالی، تلفات زیاد و خسارت‌های بسیار و ناراحتی‌های ممتد، قابل تحمل می‌باشد. لشگرکشی‌ها، اردوسازی‌ها، و ناراحتی‌ها برای حفظ وطن و حفظ استقلال و نظایر آن، همه سهل است؛ رنج راحت دان چو شد مطلب بزرگ.

اینجا هم در جنب آن مقاصد عالی، که در این اجتماع عظیم مقدس منظور است،

زحمت‌ها و خسارت‌ها و ناملايمت‌ها همه سهل است و گمان نشود که «مقصد اعلى» فقط زیارت آن خانه می‌باشد و بس، یا انجام عملیاتی از فرایض و مستحبات حج است و بس؛ زیرا خانه و مقام و صحنه عرفات و منا (همه) «مکان عمل» اند و آن فرایض و مستحبات هم خود «عمل اند» (نه مقصد)، بلکه مقصد خیلی بزرگتر از اینهاست و هنوز خیلی فاصله بین اینها با «مقصد نهایی» موجود است. مقصدهایی که باید از این اجتماع مقدس و از این اعمال مستحب و واجب و فرایض مذهبی به دست آید، امری است بسی پرقيمت‌تر از جان.

آن را می‌توان در يك كلمه واحده «امنیت جهان» تلخیص کرد. قرآن مجید روی این كلمه مقدسه انگشت می‌گذارد و سخن از «بيت امن» بسیار می‌گوید. و امن و عدل هر جا باشد همانجا «خداست». آن كلمه افشای این رمز است که باید امنیت از این خانه به جهان پخش شود. پس باید چشم به آن هدف بلند باشد تا مشکلات بیش از اندازه حقیقی و واقعی خود جلوه نکنند، بلکه خیلی کوچکتر از آن جلوه کنند که قابل اعتنا باشند. متأسفانه دستگاه‌های گیرنده افکار ما مسلمین، هنوز آنقدر قوی نشده که این راز افشا شده را بگیرد.

اکنون شمردن نواقص و نقایص را به عهده نقادان گذارده، در اینجا فقط به ذکر علاج آنها پرداخته و پیشنهادهایی به نظر می‌رسد که تقدیم ملل و دول مسلمین می‌شود و نقشه‌هایی هم (برای حصول و تأمین هدف اصلی این اجتماع مقدس خطیر) به طور فشرده و اختصار ارائه می‌گردد:

پیشنهاد: ۱ - اولاً پیشنهاد می‌شود که هر بیست یا سی نفر مسافر حج - در فرودگاه مهرآباد - به يك تن فقیه و عالم مذهبی سپرده شود یا با کاروان‌ها برای هر سی نفر حاجی، يك نفر فقیه مذهبی در نظر گرفته شود که عمل طواف و حج را به طور صحیح به آنان تمرین بدهند. حتی ماکت مسجدالحرام را با حجر اسماعیل و درجه‌های پله‌های صفا و مروه را و جمره عقبه را، در وسط آن دیوار و تابلو، در جلوی دیدگان افراد بگذارند تا فقیه مذهبی، اعمال مذهبی را از روی ماکت به اشخاص نشان بدهد.

امسال در عمل رمی جمره عقبه، در آن اجتماع مهیب، بعضی‌ها مجبور به تکرار عمل شدند و همین باعث آفتاب زدگی آنها شد و بعضی نیز در طواف خود، دست روی

دیوارِ حجر اسماعیل می‌کشیدند و عمل خود را بعد اصلاح نمی‌کردند و...
پیشنهاد: ۲ - در اینجا باز پیشنهاد می‌شود که قبل از طیران (پرواز)، هیئت طبّی ما، در همان غرفه، در بین حجاج دستور تغذیه و غذای آن منطقه را با طرز بهداشت صحّی، به اشخاص گوشزد کنند؛ زیرا بعضی مسافران، از ترک غذا و بعضی از سوء تغذیه به هلاکت می‌افتند و بعضی هاگوسفند خود را در بین خمیه‌ها ذبح می‌کردند و می‌افکندند و لاشه آن اسباب تعفن هوا می‌شد و منطقه‌ای بیماری‌زا می‌ساخت.

باید مردم را از افراط و تفریط و خطر آن بیاگاهانند. البته این دو هیئت، باید از اشخاصی انتخاب شوند که سابقه اطلاع با منطقه حج را داشته باشند.
تبصره - در اینجا تذکر داده می‌شود که هیئت سرپرستی، به خصوص ده نفر، ده نفرشان تعلیمات لازم مذهبی را قبلاً تحت نظر استاد فقیه مذهبی و طبیب صحّی یاد بگیرند تا احتیاجات محتاجان را از هر حیث و لحاظ برآورند.
 یا هیئت سرپرستی مرکب از دو صنف سیاسی و مذهبی باشند تا هر کدام مکمل آن دیگر باشد.

ثالثاً - پیشنهاد می‌شود که به منظور تهیه لباسهای مناسب برای اشخاص محترم حاج (که همه هستند) در مهرآباد یک شرکت آزاد برای تهیه لباس در موسم حج تشکیل بشود که هم لباس احرام در اختیار آنها بگذارند و هم فرم لباسهای سفید ممتاز باب آنجا برای احرام و غیر احرام و ویژه مواقع عید اضحی مخصوصاً در آن منطقه محترمه، به طور آزاد در اختیار بگذارند و همه حاجی‌های ایرانی به لباس جلال و شکوه و عید، خو بگیرند و لباس‌هایی که از آنها عزا می‌بارد، کنار بگذارند؛ زیرا در سر منزل عید اضحی می‌روند و عید عظیمی در اسلام از آن و از «عید غدیر» که حاجی در پیش دارد، بزرگتر نیست تا در خارج مثل نخود توی شیر برنج انگشت نما باشند و در داخل هم ایران استکاف از پذیرفتن آنها به داخل باند فرودگاه خودمان در مهرآباد نداشته باشند (این پیشنهادها قبل از ساختمان جدید برای حاج در فرودگاه مهرآباد بود).

رابعاً - هیئت سرپرستی، قبل از ورود کاروان‌ها به حجاز، خودش را در خاک حجاز وارد کرده باشد و از کار و مراجعات مردم نگریزد و رخ پنهان نکند و از مکه هم تا آخرین فرد ایرانی در آنجا هست بیرون نیاید و دارای شجاعت ادبی هم باشد.

خامساً - فقها و سردسته‌هایی که تعلیم می‌دهند، باید مراسم عید را هم به اشخاص تعلیم بدهند (به خصوص به سردسته‌ها و مداح‌هایی که در کاروان‌ها هستند) و افکار آنها را پرکنند از معلومات فرح‌انگیز عید اضحیٰ - و به آنها تذکر دهند که عیدهای متعاقبی از قبیل «عید اضحیٰ» و «غدیر خم» و عید «خاتم بخشی امیرالمؤمنین علیه السلام» و «عید مباهله» در پیش است تا روح امیدواری در مسافرین بیشتر شود و باید که سخنرانی‌هایی پیرامون این معانی عالی واقع گردد و به جای محفوظات خرابه‌شام و وداع اسیران و عزاداری که باید در کربلا و شام و مواقع عزاداری (در هر نقطه‌ای باشند) انجام دهند. آنها را در این ایام تبدیل به ذکر فتوحات و شادی‌ها کنند که مناسب عید است و به جای عزاداری باید تاریخ فتوحات مکه و حوادث اولیه این «بلد الامین» و تأثیر آن را در جهان یاد بگیرند. غذاهای معنوی افکار حاجیان از این قبیل باشد تا آنها را سرمست محبت خدا و دین خدا و فتح و فیروزی این مرکز بکند و وعده حق را نشان دهد که چگونه برای اجابت یک ندا از پیغمبر عظیم اسلام صلی الله علیه و آله این همه جمعیت از سراسر جهان سر از پا نشناخته می‌آیند و برادروار گرد هم جمع می‌شوند و از هفتاد و پنج کشور جهان طبقه مستطیع آن (صدها هزار نفر) اجتماع می‌کنند و همین خود در معنا عید دیگری است و حتماً اگر پیغمبر صلی الله علیه و آله سر از خاک بردارد و بنگردد که چگونه خروش غلغله لیک در جواب ندای او از زمین به آسمان بلند است شاد می‌شود.

اگر چه روح مکرم او، بر همه اوضاع احاطه دارد، حتی جواب سلام‌ها را می‌دهد و وقتی که چنین آماده و پر از معنی شدند، همین که پخش در بلادها شدند، هر کدام قصه ایمان و سران ایمان و فرمان‌های پیغمبر خود را بازگو می‌کنند. کشور را به ایمان حفظ می‌کنند و افواج تبلیغات بیگانگان را می‌رانند و قوای ماتریالیست و آنارشیست و هرج و مرج و بی‌بند و باری‌های آن را در هم می‌شکنند.

همه حاجی‌های ایرانی به لباس جلال و شکوه و عید، خوبگیرند و لباس‌هایی که از آنها عزا می‌بارد، کنار بگذارند؛ زیرا در سر منزل عید اضحیٰ می‌روند و عید عظیمی در اسلام از آن و از «عید غدیر» که حاجی در پیش دارد، بزرگتر نیست.

پس باید از ابلاغیه‌ها و اعلامیه‌های پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله این اردوی ایمان را اشباع کرد و به جهان پخش نمود تا «راز این دستگاه» افشا شود.

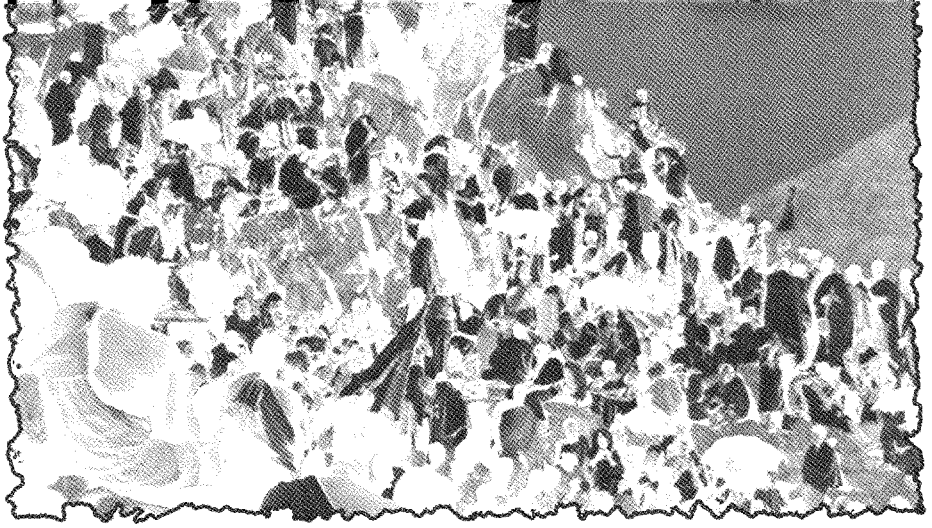
سادساً - چون پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله «راز این دستگاه» را در آخر فاش کرد و کلید رمز را در اعلامیه‌های خود افشا کرد و پنج مرتبه آن اعلامیه‌ها را بر مجمع صد هزار نفری حج خواند که دو نوبت آن در عرفات و دو نوبت آن در منا و یک نوبت آن در مسجد الحرام بود.

بنابراین، پیشنهاد می‌دهد در صحنه عرفات، تابلوهایی نصب شود که اعلامیه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را درباره امنیت جهان و تأمین حقوق بشر و امم از طرف اسلام بنمایاند و باید این تابلوها به زبانها و السنه مختلف نوشته شده باشد و به طرق مختلف در خاطرها و مشاعر و مسامع، تبلیغ و تلیقین گردد.

پس باید از طرق مختلف، آنها را به مردم و به مسلمین در عرفات مکرر در مکرر ابلاغ و القا کنند؛ چون پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله دو نوبت در یک روز، با «وضع خاصی» این اعلامیه را به جهان داده اعتنا و اهمیت آن حضرت صلی الله علیه و آله به مفاد اعلامیه‌ها به خوبی درک می‌شود. این اعلامیه‌ها مشتمل بر چهارده، پانزده الی سی ماده است، به اختلاف مواقع که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله در سال دهم هجری به منظور تأمین امنیت جهان و تأمین حقوق بشر، با اهتمام بی‌حدی به جمعیت صد هزار نفری سپرد و سپرد که آنها به دیگران و به جهانیان برسانند. باید این کلید رمز را قدر دانست و عین سخنان پیغمبر صلی الله علیه و آله را با لحن پیغمبرانه، زنده کرد و مواد آن را پخش کرد؛ یعنی هم در سخن آورد و هم در منظر برابر نظر جهانیان نهاد.

سخنگویان به زبان‌های مختلف، عین سخنان پیغمبر صلی الله علیه و آله و ترجمه آن را بین مردم پخش کنند. سخنان آنها پیام آن سرزمین است که پیغمبر صلی الله علیه و آله به آن مکان سپرده و این سرزمین آهسته به میهمانان خود می‌سپارد. باید از هر سرزمینی هستند راز آن را بفهمند.

باید تابلوهایی با نور برق و رنگ شبنما در سراسر دشت منا نصب شود که مسلمین سخنان پیغمبر خود را بخوانند و اشباع شوند و البته باید با خطوط مختلف عربی و غیر عربی، که با سوادهای از هر ملت خود شخصاً با زبان خود و حفظ خود استفاده کنند.



و برای بیسوادهای مردم، فقهای آنها با کمال متانت جمله به جمله را بخوانند و ترجمه کنند. اینجا بهترین ره آورد سفر برای مردم از هر نژاد و ملت که باشند فراهم می شود و بهترین درس و شعار برای تعلیم اصول امنیت جهان داده می شود.

این طریق منظر کم اثر نیست، اما باید از طریق دیگر هم پخش شود. برای استفاه از گوش و زبان، باید بلندگوها در هر ناحیه نصب باشد که متعاقباً اهل هر زبانی و لسانی متن سخنان پیغمبر ﷺ را با ترجمه آن به مردم گوشزد کنند.

جدیت و اهتمام به این معانی را از پیغمبر اعظم ﷺ یاد بگیرند که برای ابلاغ این اعلامیه، منبری بلند انتخاب فرمود که در چشم انداز مردم باشد؛ بدین معنا که بر شتری از دو طرف دو غراره بستند. پیغمبر ﷺ بر زبر شتری پا روی آن دو غراره نهاد و به موازات کوهان شتر تمام قد به پا ایستاد.

این منظره خود جالب توجه شد و به این هم اکتفا نکرد بلندگویی از آدمیان اتخاذ فرمود؛ جوانی که صدای او رسا بود در پای شتر نگهداشته و جمله به جمله را به او می فرمود و او به صدای بلند فریاد می زد و ابلاغ می فرمود بگو: ای ربیعہ پیغمبر به شما می گوید بعد از امسال دیگر مرا شاید نبینید - من هم بشر هستم - مرا مرگ در می یابد، پیام مرا بشنوید و به خاطر بسپارید و بعد به مردم برسانید.

پیغمبر ﷺ از هر جمله که فارغ می شد، از مردم اقرار می گرفت که آیا من رساندم؟ همین که مردم اقرار می کردند، می فرمود: خدایا! شاهد باش.

تمام مواد این بیانیه راجع به ایجاد امنیت و حفظ و حقوق بشر در جهان است و اما مواد این اعلامیه بین المللی عبارت است از:

ماده اول - راجع به حرام بودن دماء و اموال و نوامیس مسلمین بر یکدیگر است، به طور مؤکد در مؤکد.

ماده دوم - راجع به رفع تشنج جامعه از رباخواری است.

ماده سوم - راجع به بهانه‌های انتقام جویی دوران پیش از اسلام است.

ماده چهارم - راجع به جعل قانون آتش بس چهار ماه است که باید در این مدت سلاح‌ها را زمین بگذارند تا عقلا و رهبران، نقشه صلح را با مصالح آن در نظر آورند.

ماده پنجم - تعیین مرجع است برای اختلافات که عبارت است از کتاب خدا و سنت پیغمبر اسلام و اهل بیت و عترت او علیهم‌السلام. در این ماده تذکر می‌دهد که مبدا دو طائفه از مسلمین به جنگ با یکدیگر بپردازند که ارتجاع و کفر است؛ چون اسلام برای اختلافات، مرجع نهاده است.

ماده ششم - راجع به زنان و حقوق زنان است که تماس و اصطکاک دائم موجب تجاوز به حقوق آنها نشود.

ماده هفتم - راجع به غلام‌ها و زیردستان است که مبدا تجاوز به حقوق آنها بشود. این ماده، شامل طبقه کارگر و مزدوران رنجبر می‌شود.

ماده هشتم - راجع به جلوگیری از تجاوز ابتدایی است. می‌گوید: کسی که سیلی بدون جهت و بدون حق به کسی بزند، او سرکش‌ترین سرکشان محسوب می‌شود و دشمن‌ترین دشمنان خداست.

ماده نهم - راجع به جلوگیری از تحت‌الحمایگی مسلمین برای بیگانگان است. و مواد دیگر آن، همه از این قبیل احکام است که مستقیم یا غیر مستقیم مداخلت در امنیت جهان دارد.

می‌نگرید که هیچکدام راجع به نماز و روزه نیست؛ زیرا امنیت است که در سایه آن مسلمین می‌توانند به فرایض و وظایف خود قیام کنند و پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آن روز دو نوبت این اعلامیه را خواند - از این کار اصرار و اهتمام فهمیده می‌شود - .

سابقاً - در صحنۀ منا، همین اعلامیه را دو روز خواند؛ یک روز بلندگوی او علی بن ابی طالب رضی‌الله‌تعالی‌عنه بود، خود پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سوار بود، بلال افسار بغله را داشت و دیگری اسامه سایبان بر سر پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نگه‌داشته بود - و روز دیگر سوار بر شتر قصوی یا عضباء بود و

ربیعہ بلندگوی او بود.

ثامناً - باید در منا تابلوهای دیگری بهتر و بزرگتر باشد؛ زیرا علاوه بر این اعلامیه، یکی از ابلاغیه‌های دیگر اسلام در آن سرزمین منتشر شده و باز انجمن سرّی شبانه بیعت عقبه، یک سال قبل از هجرت در آنجا بوده که هفتاد و دو یا هشتاد و دو نفر مرد از انصار؛ یعنی اهل مدینه دست بیعت به پیغمبر ﷺ دادند و این جهان نوین اسلام از آن گسترش یافت. باید سخنان آن انصار را با پیغمبر ﷺ یکان یکان به گوش مردم مخصوصاً در آن صحنه رساند.

جمله‌هایی که در بیعت آورده شده و فرمود باید در بیعت من تعهد کنید سه کار و سه جمله است:

۱ - مأوا بدهید (مرا و هر کس به هوای من بیاید).

۲ - دفاع کنید از من.

۳ - برای پیشرفت اسلام مرا نصرت دهید.

و این سه عمل را در حال خوش و ناخوش و نشاط و کراهت و فراخی و تنگدستی، یکسان انجام دهید، بعد از این، پیمان دیگر - خون ما یکی است که بگیریم یا بگذریم و ناموس ما هم یکی است.

و باز سال هشتم هجرت اعلامیه دیگری از رسول خدا ﷺ هست در صحنه منا. در این صحنه، ورود لشکر اسلام در سال هشتم به لباس رزم برای فتح مکه بوده و دوازده هزار سپاهیان در منا منزل کردند.

ملل و دول مسلمان، با استفاده از گفتارها و ابلاغیه‌های پیغمبر اکرم ﷺ باید منشأ آزادی و امنیت و عدل در جهان باشند.

سخنرانی مهم رسول خدا ﷺ برای اردوی اسلام در این اعلامیه برای همکاری

مسلمین، سه ماده آن، راجع به طبقات عادی مردم است و سه ماده‌اش راجع به همدستی مسلمین است در برابر بیگانه، و الزام هر مسلمانی به ذمه بدهکاری عالم اسلام و برابری خون مسلمانان با یکدیگر.

در اینجا باید نشان داده شود که قوای اسلام با همدستی پیغمبر اسلام ﷺ توانست در این سنگر (منا) جای دشمن را بگیرد.

اینجا (منا) سنگری بود که دشمن صحیفه ملعونه را نوشت و همدست شدند و پیغمبر ﷺ را با بنی هاشم سه سال در شعب ابوطالب محروم از حقوق اجتماعی نموده محصور کرده و محاصره نمودند.

در آخر هم، دشمن توانست پیغمبر اکرم ﷺ را نیز بیرون کند. ولی همان پیغمبر ﷺ اکنون به نیروی جمعیت باز آمده بود در سنگر (محصب منا) در جای آنها منزل کرده پیامی به جهان اسلام برای ابد فرستاد.

اینجا باید فقها و ناطقین یاد بدهند که همان پیغمبر ﷺ را آن روز که تنها بود، از این شهر بیرون کردند، پس تنها هیچ طایفه‌ای از مسلمین نباید به استناد اینکه حق با من است غرور پیدا کند و از همدستی با جمعیت مسلمین دست بکشند؛ زیرا پیغمبر ﷺ هم حق بود مع هذا او را در موقع تنهایی و بی‌کسی بیرون کردند، ولی همان پیغمبر امروز که دوازده هزار همدست دارد، برگشت و دشمن را مطیع حق کرد. هیچکس نیست که کمک و معاونت نخواهد. حتی بزرگترین رهبران جهان و هیچ کس نیست که از عهده کمک بر نیاید، اگر چه مختصر و کم. روح سخن پیغمبر ﷺ همین بود.

در تابلو نشان بدهند که هرکس موظف است این سخنان را فرا بگیرد و به خاطر بسپارد و به مردم برساند. باز تذکر می‌دهد که عین این مطالب را چه بفهمید و چه نفهمید برسانید. پیغمبر ﷺ خود در این خطبه چنین فرمود:

زیرا گاهی حامل نامه مطالب و مشتملات آن را خود درست نفهمیده، ولی می‌تواند به خوبی برساند. شخص حاج، هرگاه در منا این سخن را از پیغمبر ﷺ بگیرد و همراه بیاورد، بهترین و بزرگترین ارمغان و ره آورد سفر برای اهل دیارش خواهد بود.

در خاتمه، باید دانست که اتمام عمل حج و عمره به این است که این مقاصد عالیه در اسلام عملی شود، نه تنها به انجام رساله مناسک فقهی اکتفا شود؛ همانطور که اگر طبق مناسک به قدر یک سر مو تخلف شود؛ مثلاً موی خود را در منا در سفر اول نتراشیده، باید باز خود برگردد و در منا موی سر بتراشد و اگر ممکن نیست باید در همان مکان که هست، موی سر خود را بتراشد و این مو را بفرستد در منا دفن کنند؛ یعنی باید اعمال جزء به جزء و مو به مو انجام شود.

همچنین آنچه پیغمبر اکرم ﷺ در اعلامیه‌های خود به آن اهتمام فرموده، باید



مو به مو به آن اهتمام شود.

پس باید حکمای اسلام هم، که این خطب و اهمیت آن مواد را می فهمند، مثل فقهای اسلام در کار اتمام حج و عمره مردم بکوشند؛ یعنی عقل مفکری مثل روح در تن این پیکر بزرگ چند میلیون نفری باشد، به آنها روح بدهد و غذای فکری بدهد و نیروی فکری متفکرین توأم بشود با نیروی مقدرت پادشاهان مسلمان تا این تابلوها را بسازند و فارغ التحصیل های این جمعیت را به جهان پخش کنند. کار ما آن روز تمام می شود که امنیت را، ما به جهان بدهیم.

ملل و دول مسلمان، با استفاده از گفتارها و ابلاغیه های پیغمبر اکرم ﷺ باید منشأ آزادی و امنیت و عدل در جهان باشد، نه دول و ملل دیگر و تا چنین نشود و خلع سلاح فرمانش از مکه، که منبع ایمان است صادر نگردد و امنیت به جهان برنگردد، این دستگاه بزرگ حج کار خود را به سامان نرسانده است.

باید با استفاده از نیروی معنوی میلیون ها حاجی، هر سال در این مکان مقدس که گرد هم جمع می شوند، امنیت جهان از ما تأمین بشود، ولی مادام می شنویم که هر استعمارگری ما را و ممالک ما را از ملل توسعه نیافته می گوید، می فهمیم کار ما ناتمام است و جای امام خالی است؛ بدین معنی که جمعیت هست و مغز و جمجمه هست و استطاعت مالی هم هست، ولی آنکه روح به این جمعیت بدمد و بدهد نیست.

شاید که جبر تاریخی این پیشنهادها را اجرا بکند ولی اگر در ممالک متمدنه جهان مسیحیت اینگونه مواد فکری بود، مورد تبلیغ وارد می گردید و حداکثر استفاده را به سود جهان بشریت از آن به نام خود می کردند و خواهند کرد.

درهٔ مریم در ایتالیا، زیارتگاه هزاران هزار مسیحی است، با آنکه اصالت ندارد. چه که مریم در ایتالیا نرفته است، فقط به جواب دختر مریضی آمده و او را شفا داده است. جای پای امامان را مانند قدمگاه، مردم می بوسند، با آنکه اصالت هیچکدام به قدر صحنه های عرفات و منا و مسجد الحرام نیست.

پرسش - معنای خانهٔ خدا چیست - مگر خدا خانه دارد؟

پاسخ - آنجا مرکز امن و پخش امنیت جهان است و هر جا منشأ عدل و امن باشد

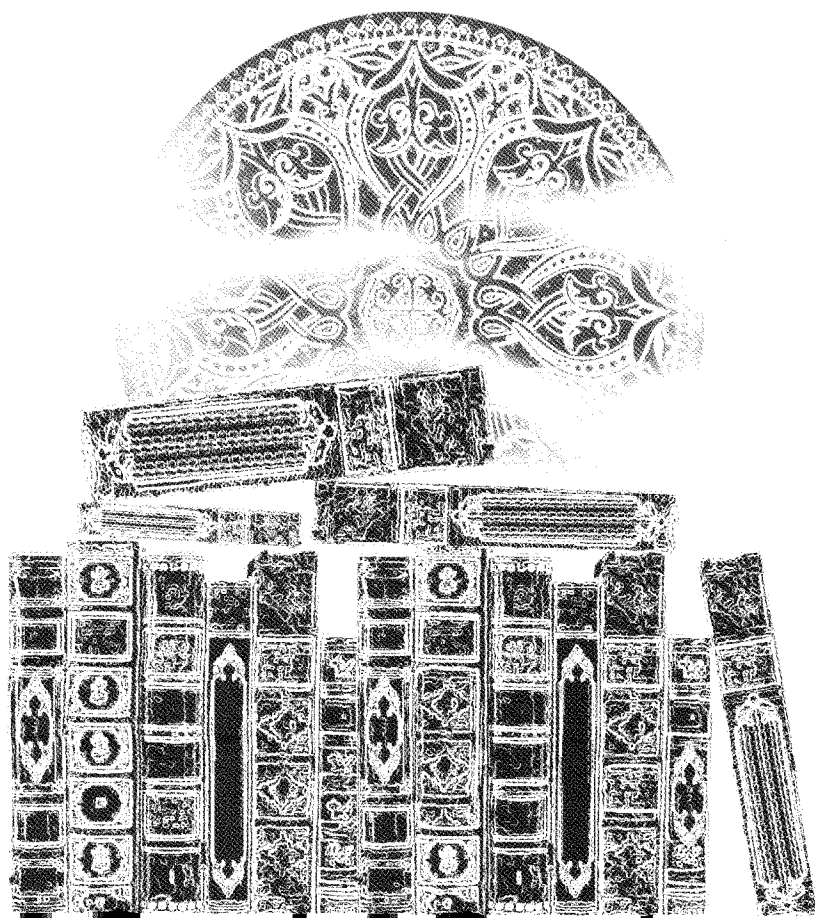
همانجا از خداست و خانه خدا همانجا و قبله گاه ما مسلمین است.

پرسش - وضع کاروان‌های حج ایران چگونه بود؟

پاسخ - در این سفر اینجانب با فرزندم محمد حسن ناصر - حفظه‌الله تعالی - در کاروان حاج محمود شربت اوغلی - حفظه‌الله تعالی - میهمان بودم، انصافاً تسهیلات و وسایل راحتی این کاروان را در حدود امکانات به خوبی فراهم کرده بود. تبارک‌الله.

تجهیزات ایشان برای پذیرایی از حجاج به‌طوری بود که وحشت سفر حج را، که از سالهای قبل (سال ۱۳۶۷ هـ.ق) در خاطر مانده بود، از یاد برد.

امیدوارم با تأییدات الهی و هم‌متی که در حاج محمود و برادران شربت اوغلی مشاهده می‌شود، سال به سال وسایل راحتی و آسایش حجاج محترم ایرانی، بیش از پیش فراهم شود، به‌طوری که در بلاد حجاز، موجب سرفرازی حجاج ایرانی گردد. در ختام، (الحمد لله) و الصلوة علی رسول الله، سال حج ۱۳۴۰ هـ.ق = ۱۳۸۱ هـ.ش.



(متمم)، پس از مراجعت از حج سال ۱۳۴۰ که در آن سفر میهمان اخوان شربت زادگان معروف به شربت اوغلی بودیم، ایام با محنت و سرور، با سراء و ضراء گذشت تا موقع افسردگی ها و هجوم بلاها رسید، در موسم ۱۳۴۲ = ۱۳۸۲.

پس از فروردین، که حادثه سوء قم پیش آمد و هجوم اشراک به حوزه قم (صانهاالله) ما را داغدار و مصیبت زده نموده بود، در کنج کتابخانه عزادار و مستغرق در لجة افکار بوده، خود را به مطالعات مباحث علمی برای فکر علاج غرق می کردم.

شورای عالی حج در آن حین از من این طرح را خواست که آب از سرگذشته بود و من در مبارزه محنت شکست خورده، سیل محنت مرا زیر گرفته بود ولی هنوز حادثه سوء کمرشکن ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نرسیده بود، میان دو موج هولناک و ظلمات متراکم آن روز پناهگاهی جز حرم پیغمبر ﷺ و شکایت به پیشگاه والای اقدس اطهر او ﷺ ندیدم که به قصد حج و زیارت حرمین شریفین التجاء به پیشگاه پیغمبر اکرم ملجأ و پناهگاه عالم ﷺ بیرم، چاره ای نبود.

امیرالمؤمنین ﷺ که خود کوه ثابتی بود می فرمود:

در جنگ ها، در موقع طغیان خطرها و هجوم شداید، همه به من پناه می آوردند و من به پیغمبر اکرم ﷺ پناه می بردم.

من هم دیدم اقتدا به امام ﷺ بکنم و به خود امام ﷺ هم بنگرم که حتی در موقع محنت و سطوت از پا در نمی آمد هر چند امواج محنت خروشان بود باز محنت او را زیر نمی گرفت تا از وظیفه هدایت باز ایستد و در موقع سطوت هم سطوت مقدره او را از وظیفه باز نمی داشت.

نظیر قطب نما و قبله نما که به هر حال قبله را نشان می دهند و اگر فشاری هم از بیرون بر آنها وارد شود باز بعد از نوسان مختصری، همینکه به حال عادی و به اختیار خود برمی گردند باز به وظیفه خود عودت می کنند و قبله یا قطب را نشان می دهند.

امیرالمؤمنین علی ﷺ می فرمود:

ما قطب فلک (یعنی سپهر و فلک الاجتماع) هستیم (نحن ناشئة القطب و اعلام

الفلک). ۲.

با خود گفتم اکنون که دادخواهی نیست که محکمه عادلانه عاجلانه ای تشکیل دهد



و در محل وقوع جرم (یعنی قم) چوبه داری در برابر مدرسه فیضیه قم بر پا کند و مرتکبین جرم را بر دار بیاویزد.

و این صدمه‌ای که بر پیکر اسلام وارد شده و جان مقدس‌ترین افراد نظامیان دین را که پاسبانان مقدس عقیده و ایمان‌اند و جان خود و جوانی خود را در سر راه محافظت آیین دین و استقلال در طبق اخلاص گذاشته‌اند، به هدر دادند و در جوار حرم مطهر معصومه علیها السلام، بی‌بی و بانوی دنیا و آخرت و در حضور میهمانان گرامیش که هر سال بالغ بر هزاران زوار محترم است، هجوم آورده طبقه واجب الاحترام و واجب التعظیم را مورد مهاجمه ناجوانمردانه و جرح و ضرب و شتم و قتل قرار دادند.

و هر چه اعتراض به دولت وقت داده می‌شد و مطالبه معرفی مجرمین می‌گردید، هیچگونه اعتنا و اهتمام دیده نمی‌شد.

و حرف حق ما و شعار حوزه‌های علمیه شیعه در حمایت از فقرا و ضعفا و طبقه رنجبر و زحمتکش که خاص منطق امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود و از حلقوم علمای شیعه (به خصوص) همیشه بر می‌خاست و ما فقهای شیعه (علی الأخص) مظهر و مظهر عدالت و عدل علی علیه السلام بودیم اشتباه به دغلی شده و چنان می‌نماید که طرفداری از آنها نمی‌شود. و تیری که باید به سینه و قلب خونخواران کشور؛ یعنی طبقه فئودال وارد شود (که چندین قرن است خون این ملت را می‌مکند) آن تیر بر قلب مقدس جوانان پا کدال تحصیل کرده، نظامیان مقدس اسلام و امام علیه السلام وارد شد.

منفدی در این ظلمات متراکم نبود جز روزنه‌ای به سوی روضه مطهره رسول خاتم و پناه عالم صلی الله علیه و آله که شکایتها را نزد او برم و چاره از شفاعت او بخواهم ان شاء الله آنجا در زیر قبه الخضراء دعا مستجاب است.

اینها بواعث حج من بود؛ لذا به شورای عالی حج توجه نموده طرح را دادم.



پانوشته‌ها:

۱. بقره: ۱۹۶
۲. بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۶۶